

تراژدی و کمدی مرز باریک بین اشک ها و لبخند ها

شاید تا به حال بر این باور بودید که تراژدی کمدی دو مفهوم و معنای متضاد هستند، اما بنظر میرسد که تراژدی کمدی دو روی یک سکه هستند .

اجازه بدید با یه مثال بهتر براتون توضیح بدم.

یک موقعیت فرضی را در نظر بگیرید فردی که در صبحی برفی روی زمین لغزنده و یخ زده لیز می خورد و روی زمین می افتد و از فرط درد شکستگی بی وقفه اشک میریزد اما آن سوی خیابان فردی حاضر در حال تماشای این صحنه است و از خنده روده بر شده است ، به نظر میرسد که تراژدی و کمدی تو سبک نگاه به موضوع مختلف هستند . شاید اگر هر کدام ما از دور تر یا نزدیک تر به موقعیت نگاه کنیم نظر متفاوتی داشتیم .

در عمق بسیاری از داستان های تراژیک ما نور شادی را در مغموم ترین لحظات پیدا میکنیم .

از نظر برخی این پدیده علتش این است که ما از احساسات خود برای درک بهتر واقعیت استفاده میکنیم و در موقعیت های مختلف ممکنه از درک چند حسی بهره مند بشیم ، یعنی ممکنه که هم از شنیدن داستان یه عشق بی ثمر، ما از نتیجه و پیامد داستان ناراحت و غمگین شده باشیم ولی از طرفی هم بابت تک تک لحظات همراهی با راوی و عاشق داستان لذت برده باشیم.

حالا بریم ببینیم شباهت های تراژدی و کمدی چی هستن.

الف) هر دو موضوع زاده ی مفهومی به نام درام هستند . انگار بخوایم بگیم که هر دو موضوع شادی غم حاصل مفهومی به نام تفکر ذهنی هستن .

ب) در هر دو موقعیت شخصیت ها قربانی شرایط اند. ولی نتیجه ی داستان ها با یکدیگر در تضاد اند.

ج) همان قدری که نگاه کمیک برای ما به منظور درک و فهم خوشی شکل گرفته است ، همان قدر هم نگاه تراژیک برای یادآوری احتمال رخ دادن آن موقعیت های دردناک در ما شکل گرفته است. در یونان باستان فرهنگی به نام تراژدی خوانی وجود داشته که بنظر میرسد برای این بوده که مردم بتونن درک بهتری از موقعیت های دردناک پیدا کنن.

تراژدی در یک داستان کمیک

بعضی از کمیک ترین آثار تاریخ تلخ ترین معانی بشریت را درون خود حمل میکند .

به عنوان مثال می توان به داستان سریال هایی مانند OFFICE و BOJACK HORSEMAN اشاره کرد که در باطن ظاهر کمیکشان معانی تلخی مثل تنهایی ، پوچی ، افسردگی ، اضطراب اجتماعی و مسائلی از این قبیل وجود دارد .

کمدی در یک داستان تراژیک

گاهی اوقات در دل یک داستان تراژیک لحظه ای کمدی شکوفا میشود.

به عنوان مثال می توان به نمایشنامه های هملت و مکبث از شکسپیر اشاره کرد.

ریشه های روانشناختی مشابه به هم

در بسیاری از رو به رویی های انسان با فشار های روانی ، کمدی و تراژدی هر دو ابزاری برای مقابله ذهنی تعریف میشود .

گاهی ذهن انسان برای مقابله با مشکل آن را با دید طنز میبیند ولی در آن سوی داستان گاهی اوقات انسان به رنج و غم پناه میبرد و با داستان های رنج آور دیگر انسان ها احساس همزاد پنداری کند.

واکنش جهان مدرن و پسا مدرن به تراژدی و کمدی

در عصر مدرن و پسا مدرن هر دو مفهوم دچار پدیده ای شدند که در آن سبک ها و ژانر های متفاوت با یکدیگر تلفیق شدند دیگر کمتر اثری وجود دارد که تماما تراژیک یا کمیک باشد و به نظر میرسد که محتوای مدرن تلفیقی از تمام احساسات و عواطف است .

به عنوان مثال آثار Afterlife , fleabag و یا انیمیشن inside out با تلفیق جهان های مختلف بیشتر این موضوع را نمایان میکند.

نتیجه گیری :خنده ای پشت پرده اشک ها

"کمدی همان تراژدیست به همراه گذر زمان." " استیو الن"

همانطور که در شروع به این موضوع اشاره کردم تراژدی و کمدی دو روی یک سکه اند ؛ هر دو درباره مفاهیمی چون شادی، غم، رنج و از همه مهم تر زندگی صحبت میکنند .

گاهی وقتی میخندیم به رنجی فکر میکنیم که هنوز حل نشده و گاهی در حال اشک ریختن به دنبال امیدی در میان تاریکی ها هستیم .

در نهایت زندگی نه کمدی است نه تراژدی ؛ زندگی یک درام از تمام احساسات و سبک هاست و ما بازیگران آن هستیم.

